

پیامدهای فعالیت‌های میسیونرهای آمریکایی در جامعه آسوری آذربایجان (۱۲۵۰-۱۳۴۴ ق. ۱۸۳۴-۱۹۲۵ م.)^۱

اعظم فولادی پناه^۲، محمدعلی کاظم‌بیککی^۳، جمال موسوی^۴
(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۴/۲۸ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۷/۰۴)

چکیده

میسیونرهای آمریکایی در سال‌های ۱۲۵۰-۱۳۴۴ ق. ۱۸۳۴-۱۹۲۵ م. بیش از نیم‌قرن در ایران عصر قاجار حضور داشتند که طی این دوره فعالیت‌های گوناگونی در حوزه‌های مذهبی، آموزشی، فرهنگی و بهداشتی انجام دادند. با وجود اینکه مناطق مختلف به‌ویژه در غرب و شمال ایران، از جمله ایالات آذربایجان، کردستان، همدان، کرمانشاه و گیلان عرصه فعالیت ایشان بود؛ اما منطقه آذربایجان اولین و مهم‌ترین حوزه فعالیت میسیونرهای آمریکایی محسوب می‌شد. ایالت آذربایجان از دیرباز محل سکونت اقلیت‌های مختلف مسیحی همچون ارمنه، آسوریان و کلدانیان به شمار می‌رفت. مبلغان کاتولیک همچون کشیشان کرم‌لیت از دوره صفویه در این منطقه فعالیت می‌کردند. میسیونرهای آمریکایی که بیشتر به دنبال احیای کلیسای نسطوری بودند، به ارائه خدمات آموزشی - فرهنگی و بهداشتی در میان مسیحیان آذربایجان پرداختند. این مبلغان، از طریق حضور طولانی‌مدت و ارتباطات نزدیک، توانستند جامعه آسوری آذربایجان را تحت تأثیر خود قرار دهند. مقاله حاضر سعی دارد با تکیه بر روش توصیفی - تحلیلی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای، فعالیت‌های میسیونرهای آمریکایی در جامعه آسوری آذربایجان و نیز نتایج آن‌ها را مورد بررسی قرار دهد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد جامعه آسوری آذربایجان در نتیجه اقدامات هیئت تبلیغی آمریکا دست‌خوش تحولاتی شد. آسوریان در حالی توانستند جایگاه اجتماعی خود را بازابند که انسجام سنتی جامعه‌شان دچار ازهم‌گسیختگی گردید. افزون آنکه تغییرات مذکور روبرویی آسوریان با هم‌وطنان مسلمان ایشان را در پی آورد.

واژگان کلیدی: قاجاریه، میسیونرهای آمریکایی، آذربایجان، آسوریان.

۱. مقاله مستخرج از رساله دکتری، با عنوان «هیئت‌های تبشیری آمریکایی در ایران قاجاریه»، دانشکده الهیات دانشگاه تهران می‌باشد.

۲. دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران؛
Email: Fooladi.panah@ut.ac.ir

۳. دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛
Email: mabeyki@ut.ac.ir

۴. دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران؛
Email: jmoosavi@ut.ac.ir

مقدمه و پیشینه تحقیق

مسیونرهای آمریکایی از جمله هیئت‌های تبشیری پروتستان پیشرو و متقدم در ایران دوره قاجار بودند که از ۱۲۵۰ ق. / ۱۸۳۴ م. مقارن با سلطنت محمدشاه قاجار در منطقه آذربایجان ایران استقرار یافته و به فعالیت‌های تبشیری پرداختند. هدف میسیون آمریکا از فعالیت در ایران آن بود که اوضاع آموزشی و دینی مسیحیان بومی را بهبود بخشد تا از آن‌ها برای تبشیر در میان مسلمانان استفاده کند؛ زیرا به دلیل جو حاکم بر ایران در آغاز امکان دعوت مستقیم مسلمانان برای هیئت آمریکایی وجود نداشت (Perkins, A Residence, 26). در ۱۲۸۸ ق. / ۱۸۷۱ م. میسیون آمریکایی به ارگان انحصاری کلیسای پروتستان تبدیل شد، و از این پس آمریکایی‌ها تغییر رویه دادند و به جای احیای کلیسای قدیمی نسطوری تأسیس جماعت پرسبیتترین^۱ بومی و مجزا را تشویق نمودند. میسیون پروتستان آمریکا علاوه بر تقدم در ورود به ایران در دوره قاجار، با توجه به گستره فعالیت و ارائه خدمات با پشتوانه‌های مالی چشمگیر، از جمله مهم‌ترین و تأثیرگذارترین هیئت‌های تبلیغی مسیحی در این دوره به شمار می‌رفت. میسیونرهای آمریکایی در میان فرق مختلف مسیحی ساکن در غرب و شمال غرب ایران از جمله کلدانیان، آسوریان و آرامنه، بیشتر بر روی آسوریان متمرکز شدند، زیرا آن‌ها برخلاف دیگر مسیحیان از آزادی افراطی خاصی برخوردار بودند، به‌ویژه آنکه میان اعتقادات فرقه پروتستان و فرقه مسیحیت آسوری اشتراکاتی وجود داشت^۲ که موجب نزدیکی بیشتر آن‌ها می‌شد (Malick, 9). چون میسیون آمریکایی بیشترین ارتباطات را با آسوریان ایران

۱. فرقه پرسبیتترین (Presbyterian) یکی از انشعابات کلیسای پروتستان است که تحت تأثیر اندیشه‌های اصلاح‌طلبانه جان ناکس (John Knox) در قرن ۱۶ م. ایجاد شد. کلیساهای پرسبیتری از جمله نمایندگان مسیحیت پروتستان کلاسیک بوده که از دل اصلاحات دینی قرن ۱۶ م. بیرون آمد. اصطلاح پرسبیتترین به نوعی از حاکمیت کلیسا توسط رهبران غیر روحانی که شیوخ (Prebyters) نام دارند، اشاره دارد. پرسبیتترین‌ها شباهت‌های زیادی با سایر فرق پروتستان دارند، اما یکی از تفاوت‌های بارز آن‌ها اعتقاد به بعد روحانی رستاخیز است. آن‌ها در میان شعائر دینی مسیحیت تنها به تعمیم و عشای ربانی باور دارند. آن‌ها همچنین استفاده از نمادهای دینی مانند شمایل قدیسان را چندان جایز نمی‌دانند (برای اطلاع بیشتر نک. Safra, 178, 883; Jones, 11/7388-7890).

۲. جنبه‌هایی از عقاید دینی آسوریان مانند نفی لقب مادر خدا برای حضرت مریم، عدم کاربرد تصاویر و مجسمه‌های دینی در کلیساها و احترام آسوریان به کتاب مقدس سبب شد که آمریکایی‌ها از آسوریان به عنوان پروتستان‌های شرق یاد کنند (Malick, 4).

داشتند، بی‌شک موضوع نحوه تعامل و تأثیرپذیری آسوریان در برخورد با آن‌ها از مباحث قابل توجه در تاریخ فرقه‌ای و اجتماعی اقلیت‌های مسیحی ایران دوره قاجار است.

در زمینه فعالیت‌های میسیونرهای آمریکایی در میان آسوریان ایران در دوره قاجار، مقالات، کتب و رساله‌هایی خصوصاً به زبان انگلیسی نگاشته شده، اما این‌گونه آثار اغلب تنها به شرح نوع فعالیت‌های میسیون آمریکا در میان نسطوریان ایران پرداخته‌اند. از جمله این آثار می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: «میسیونرهای آمریکایی و فعالیت در میان نسطوریان ارومیه و روستاهای اطراف آن (۱۸۴۳-۱۸۳۵ م. / ۱۲۵۹-۱۲۵۱ ق.)» به قلم حمید حاجیان پور و موسی خاموشی. نویسندگان این مقاله کوشیده‌اند شرحی از هشت سال فعالیت آموزشی و پزشکی میسیونرهای آمریکایی در ارومیه ارائه دهند. همچنین «فعالیت‌های میسیونرهای آمریکایی در آذربایجان (۱۸۷۰-۱۸۳۴ م. / ۱۲۸۷-۱۲۵۰ ق.)» عنوان رساله دکتری موسی خاموشی است که در ۱۳۹۶ در دانشگاه شیراز دفاع شده است. در این رساله نیز تمرکز نویسنده بیشتر بر فعالیت‌های آموزشی میسیون آمریکایی در میان مسلمانان و نسطوریان آذربایجان در بازه زمانی سی‌وشش سال بوده است. حسین احمدی در مقاله «کوشش میسیونرهای آمریکایی برای جذب نسطوری‌ها (از دوره محمدشاه تا اوایل سلطنت ناصرالدین شاه قاجار)» براساس اسناد وزارت خارجه ایران به شرح و تبیین فعالیت‌های میسیون آمریکا در جهت تغییر دین نسطوریان ایران تا اوایل سلطنت ناصرالدین شاه قاجار پرداخته و بیشتر بر فعالیت‌های آموزشی و ذکر تعداد مدارس میسیون تمرکز کرده است. «یانکی‌ها و نسطوری‌ها: تأسیس مدارس آمریکایی در میان نسطوریان ایران و ترکیه، ۱۸۳۴-۱۸۵۰»^۱ عنوان رساله دکتری جان پیر امیر^۲ است که در ۱۹۹۷ م. در دانشگاه هاروارد دفاع شده است. در این رساله نویسنده در بازه زمانی شانزده سال، به بیان فعالیت آموزشی میسیون آمریکایی در میان نسطوریان ایران و ترکیه پرداخته است. همچنین در برخی از پژوهش‌های جدید، بخش‌هایی از نتایج فعالیت‌های میسیون آمریکا در میان نسطوریان مورد توجه قرار گرفته است، از جمله می‌توان به کتاب *نوزایی و جنبش: میسیونرهای انجیلی آمریکایی در ایران و ریشه‌های ناسیونالیسم آسوریان*^۳ اثر آدام بکر^۴ اشاره کرد که در سال ۲۰۱۵ م.

1. "Yankees and Nestorians: The establishment of American Schools among the Nestorians of Iran and Turkey, 1834-1850".
2. John Pierre Ameer.
3. Revival and Awakening: American Evangelical Missionaries in Iran and the Orgins of Assyrians Nationalism.
4. Adam H. Becker

منتشر شده است. نویسنده در این کتاب ظهور اندیشه‌های قوم‌گرایانه در میان آسوریان ایران در اوایل قرن بیستم را ناشی از فعالیت‌های میسیونرهای آمریکایی در میان آسوریان می‌داند. همچنین نویسنده آسوری‌دن نابی^۱ نیز در مقاله‌ای با عنوان *آسوریان ایران*: وحدت دوباره ملت^۲ با بررسی شماره‌های مختلف نشریه آسوری کوخو^۳ در ارومیه، تجدید اتحاد آسوریان به عنوان یک ملت در اوایل قرن بیستم میلادی را ناشی از فعالیت‌های میسیون آمریکا می‌داند. با بررسی اغلب این آثار می‌توان دریافت که تأثیرات فعالیت‌های میسیون آمریکا در میان آسوریان با نگرشی جامع کمتر مورد بررسی واقع شده است. از این رو، در این مقاله ضمن تبیین جایگاه آسوریان آذربایجان در جامعه ایران قاجار و نیز نوع فعالیت‌های هیئت تبشیری آمریکا در میان این اقلیت مسیحی، تأثیرات فعالیت‌ها و عملکرد میسیونرهای آمریکایی را بر جامعه آسوری آذربایجان واکاوی کرده‌ایم.

جامعه آسوری آذربایجان در آستانه ورود میسیونرهای آمریکایی به ایران

در دوره سلطنت قاجارها، مناطق ارومیه، حکاری و موصل از جمله مراکز زندگی نسطوریان (آسوریان) به حساب می‌آمد.^۴ از لحاظ بافت جمعیتی، ارومیه به اکثریت مسلمان (در درجه اول شیعه) و اقلیت نسطوریان، ارامنه و جمعیت کوچکی از یهودیان تقسیم می‌شد. آسوریان شهر بیشتر در نزدیکی کلیسای مارت مریم^۵ ساکن بودند و بقیه

1. Eden Naby

2. "The Assyrians of Iran: Reunification of A 'Milat', 1906-1914"

3. Kukhva

۴. نسطوریان همان سریانی‌های شرقی بودند این نام در مقابل یعقوبیان، که همان سریانیان غربی محسوب می‌شدند، به کار می‌رفت. پیش از آمدن میسیونرهای آمریکایی، نسطوریان در متون و ادبیات ایرانی، نصرانی یا نصارا خوانده می‌شدند و نصرانی در واقع نامی بود که به مسیحیان در جهان اسلام اطلاق می‌شد. آن‌ها مذهب نسطوری داشتند و پیرو نسطوریوس قسطنطیه بودند. فرنگیان، نسطوریان پروتستان یا «لوتری» را آسوری و کاتولیک‌ها را کلدی‌ای یا کلدانیان می‌نامیدند. بدین ترتیب، میسیونرهای پروتستان و برخی باستان‌شناسان در قرن نوزدهم نسطوریان را از نوادگان آشوریان باستان معرفی کردند. در نتیجه، نسطوریان به طور فزاینده‌ای آشوری یا آسوری نامیده شدند، لقبی که عموماً خودشان نیز آن را پذیرفتند (برای اطلاع بیشتر نک. افشار، ۲۶-۲۴؛ ناطق. ۱۵۵-۱۵۶; Fiey, 7/970-973; Holmberg, 7/1030-1032; Flynn, 590).

۵. کلیسای مارت مریم یا کلیسای شرق آشور (The Church of Mart Maryam) در مرکز شهر ارومیه واقع شده است و از جمله قدیمی‌ترین کلیساهای ایران به شمار می‌رود (برای اطلاع بیشتر نک. شکرزاده، ۱۲۸-۱۳۹).

در روستاهای سراسر منطقه غرب دریاچه ارومیه زندگی می‌کردند (Becker, 45-46). نسطوریان منطقه ارومیه تابع و رعیت طبقه اشراف محلی مسلمان محسوب می‌شدند و بیشتر به صنایع کوچک و کشاورزی اشتغال داشتند. آن‌ها در شمار اهل ذمه به حساب می‌آمدند و به‌عنوان یک جماعت غیرمسلمان و فاقد امتیازات خاص در چتر حمایت حاکمیت اسلامی قرار داشتند (یسلسون، ۴۲-۴۴؛ Becker, 50). از این‌رو، از نظر میسیونرهای آمریکایی جامعه آسوری (نسطوری) منطقه آذربایجان جامعه‌ای سرخورده بود، زیرا هم‌زمان با ورود میسیونرهای آمریکایی به ایران در ۱۲۵۰ ق. / ۱۸۳۴ م. در میان آسوریان هیچ تاجری وجود نداشت و صنعتگران‌شان اندک بودند. جامعه آسوری اغلب روستاییانی محسوب می‌شدند که هیچ کتابی به زبان گفتاری خود نداشتند؛ تنها کشیشان یا شماس‌های آسوری و یک زن، آن‌هم به‌واسطه اینکه خواهر بطریق مار شیمون بود، از جمله باسوادان آن‌ها به‌شمار می‌رفتند (Wagner, 239; Speer, 22; Perkins, *Missionary Life in Persia*, 105-106). زنان آسوری نیز به فراخور اوضاع خوبی نداشتند و اغلب، علاوه بر انجام امور خانه، به کار کشاورزی می‌پرداختند. آسوریان تولد دختر را مصیبتی بزرگ می‌دانستند. دختران آسوری از سوادآموزی بی‌بهره بودند و براساس زندگی طبیعی خود تمایلی به یادگیری نداشتند (Laurie, 14-19). میسیونرهای آمریکایی از آغاز تقویت جامعه آسوری آذربایجان و احیای کلیسای نسطوری را رسالت اصلی خود فرض کرده و درصدد تحقق آن برآمدند (Wagner, 236; Waterfield, 102-103; 237). در طرف مقابل هم جماعت آسوری که در آن برهه به‌واسطه فقر، بی‌سوادی و نداشتن حامی قدرتمند در برابر مسلمانان در موضع ضعف قرار داشت، با ورود آمریکایی‌ها به منطقه آن‌ها را به‌عنوان حامیان خود پذیرفت و با آغوشی باز از آن‌ها استقبال کرد. علاوه بر این، آسوریان به دلیل آگاهی از اعتبار میسیونرهای آمریکایی در نزد هیأت حاکمه ایران و اینکه گزارش‌های آن‌ها به تهران و تبریز می‌توانست راهگشای برخی از مشکلات آن‌ها در مواجهه با مسلمانان باشد، بیش از پیش به میسیونرهای آمریکایی نزدیک شدند (Wagner, 256-257; Adams, 243-244; Perkins, *A Residence*, 3-4, 31).

فعالیت‌های میسیونرهای آمریکایی در میان آسوریان

۱- تأسیس و گسترش مدارس

برخلاف تصورات موجود، آسوریان آذربایجان پیش از ورود میسیون آمریکا به ایران

مدرسه داشتند که البته تنها به تربیت کشیشان نسطوری اختصاص داشت. جوستین پرکینز^۱ اولین سرپرست میسیون آمریکا در ایران، نخستین مدرسه خود را بر پایه‌های این مدرسه بنا نهاد، زیرا فارغ‌التحصیلان و معلمان این مدرسه که اغلب از کشیشان نسطوری بودند، به میسیون آمریکا پیوستند^۲ و از همکاران بومی میسیون شدند (Murre-van den Berg, "The Missionaries' Assistants", 4). یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های میسیون آمریکا در میان نسطوریان، آموزش و تبشیر از طریق ایجاد مدارس بود. میسیونرهای آمریکایی در طول زمان در میان نسطوریان چهار نوع مدرسه تأسیس کردند؛ مدارس دینی پسران که اولین مدرسه در ۱۲۵۲ ق. ۱۸۳۶ م. افتتاح شد. مدارس دینی دختران که اولین آن‌ها در ۱۲۵۴ ق. ۱۸۳۸ م. تأسیس گردید. مدارس روستایی^۳ و در نهایت مدارس یک‌شنبه^۴ که نقش مهمی در سواد آموزی بزرگسالان داشت (Speer, 22; Becker, 149).

۱-۱. شیوه‌های آموزشی و مواد درسی

آموزش در مدارس دینی دختران و پسران بر اساس نظام آموزشی لنکستر^۵ بود که گونه‌ای از روش‌های نظارتی به‌شمار می‌رفت. بدین ترتیب، دانش‌آموزان ارشد به‌عنوان مربی بالادست به دانش‌آموزان کوچک‌تر آموزش می‌دادند و به این ترتیب دانش‌آموزان

1. Justin Perkins

۲. نام این مدرسه آسوریان «هرمزد» (HormeZd) بود و در روستای گوگ‌تپه در ارومیه قرار داشت. برخی از معلمان این مدرسه که به همکاری با میسیون آمریکا پرداختند، عبارت بودند از مار الیاس (Mar Elias)، مار یوحنا (Mar Yohannan)، کشیش دانکا (Dunka) و کشیش آبراهام (Abraham) (Becker. 90-91).

۳. مدارس روستایی، مدارس محلی بودند که توسط دستیاران بومی میسیون اداره می‌شدند و اغلب خودبسنده بودند، اما کمک‌هایی چون کتاب و لباس برای دانش‌آموزان نیازمند را از میسیون دریافت می‌کردند. برنامه درسی در این مدارس شبیه سایر مدارس میسیون در ارومیه بود که مطالعه کتاب مقدس عمده‌ترین درس آن‌ها به‌شمار می‌رفت، زیرا هدف از تأسیس این مدارس کمک به تربیت مردان جوان آسوری بود که بتوانند انجیل را در سطح محلی ترویج نمایند (Ameer, 199, 202; Becker, 157-158).

4. Sunday or Sabbath schools

۵. مبدع این روش آموزشی ژوزف لنکستر (Joseph Lancaster) (۱۸۳۸-۱۷۷۸ م.) اصلاح‌گر آموزشی انگلیسی بود. این روش آموزشی از اوایل قرن ۱۹ تا اواسط آن در انگلستان و خارج آن، به‌خصوص برای طبقه کارگر استفاده می‌شد (برای اطلاع بیشتر نک. www.Britanica.com/topic/monitariansystem).

از سطحی به سطح بالاتر می‌رفتند و دانش‌آموزان ارشد نیز دانش خود را تکمیل می‌کردند. این شیوه در کار میسیونری آمریکا از آن جهت که با نیروی کار محدود مواجه بودند، بسیار مفید به نظر می‌رسید. در میسیون آمریکا هدف از اجرای این شیوه کمک به پرورش معلمان بومی بود تا آن‌ها بعد از فارغ‌التحصیلی بتوانند مدارس جدیدی را تأسیس و اداره کنند (Perkins, *A Residence*, 250; Ameer, 120).

مواد درسی مدارس میسیون به کتب دینی منحصر نبود و در این مدارس علوم غیر دینی نیز آموزش داده می‌شد؛ علوم چون حساب، زبان انگلیسی، زبان سریانی جدید و کلاسیک، فلسفه، تاریخ، جغرافی، نجوم. بنابراین، میسیونرهای آمریکایی هیچ تضادی بین دین و علم نمی‌دیدند. از نظر آن‌ها دین، علم و اخلاق مکمل یکدیگر بودند و تغییر دین افراد از طریق سوادآموزی به آن‌ها تسهیل می‌شد (همراز، ۱۹۰-۱۸۹؛ Laurie, 234; Sengupta, 44).

۱-۲. تأکید بر آموزش زنان

چنان‌که اشاره شد، پیش از ورود میسیون آمریکا به ارومیه آموزش در میان زنان آسوری چندان مورد توجه نبود، زیرا دختران آسوری در سنین پایین ازدواج می‌کردند. از سوی دیگر، آسوریان باور داشتند زنان نمی‌توانند به مقام کهنات و روحانیت برسند. از این‌رو، هر اقدامی برای تربیت آن‌ها بی‌ثمر بود. در مقابل، میسیونرهای آمریکایی معتقد بودند برای تهیهٔ موجبات پیشرفت و تعالی یک ملت ابتدا باید زنان و مادران را از برکات آموزش و پرورش مسیحی برخوردار ساخت. آن‌ها در صدد بودند تا دختران آسوری از طریق آموزش، دختر، خواهر، همسر و مادر بهتری شوند و از این‌رو در آموزش زنان آسوری اهتمام ویژه‌ای داشتند (Laurie, 13-26; Fiske, 289). در مدارس دخترانهٔ میسیون، در کنار برنامهٔ آموزشی آکادمیک، حرفه‌های مربوط به زنان مانند بافندگی، خیاطی، گلدوزی آموزش داده می‌شد (Fiske, 277, 279).

۲- احداث چاپ‌خانه و انتشار مطبوعات و کتب

یکی از بزرگ‌ترین موانعی که سد راه فعالیت میسیونرهای آمریکایی محسوب می‌شد، مسئله بی‌سوادی مردم و فقدان کتب و مطبوعات به زبان جدید آسوری بود. در واقع، کلیهٔ کتبی که در آن روز در دست آسوریان قرار داشت، به زبان قدیم آن‌ها نوشته شده و مردم عادی از درک معانی آن عاجز بودند. به این جهت، یکی از نخستین کارهایی که

پرکینز به انجام آن همت گماشت، اختراع خط جدید برای زبان آسوری و ترجمه کتب انگلیسی به این زبان بود. از این رو، پرکینز در جهت چاپ و نشر کتب و مطبوعات با هیئت مرکزی میسیون در آمریکا وارد مذاکره شد و از آن‌ها برای تأسیس چاپ‌خانه‌ای در ارومیه استمداد کرد. بدین ترتیب، چاپ‌خانه میسیون از ۱۲۵۶ ق. ۱۸۴۰ م. در ارومیه راه‌اندازی شد (احمدی، ۹-۸؛ Perkins, *A Residence*, 443-444). تنوع انتشارات میسیون بسیار گسترده بود و آثار منتشره شامل عهد عتیق و عهد جدید، تفسیر کتاب مقدس، کتب حساب، جغرافیا، پزشکی، موسیقی، کتب املاء و دستور زبان فارسی، آثار ضد کاتولیک و... بود. افزون بر این، نشریات مختلفی نیز توسط میسیون منتشر می‌شد که مهم‌ترین آن‌ها نشریه «پرتوهای نور»^۱ به زبان سریانی بود که تا ۱۳۳۶ ق. ۱۹۱۸ م. ادامه داشت (حاجیان‌پور، ۳۶؛ Becker, 104). نکته حائز اهمیت آنکه میسیونرهای آمریکایی از آغاز انتشار این نشریه در ۱۲۶۵ ق. ۱۸۴۹ م. در صدد بودند تا بسیاری از مبانی آموزشی و اخلاقی مورد نظرشان را در قالب مقالات متنوع در اختیار خوانندگان آسوری قرار دهند، تا از این طریق هدف اصلی‌شان را، یعنی اصلاح کلیسای نسطوری، محقق کنند. بنابراین، مطبوعات میسیون آمریکا بخش مکمل آموزش‌های آن‌ها در مدارس بود. برای تبیین این مطلب در دنباله بحث به برخی از موضوعات منتشره در این مجله اشاره می‌شود.

۲-۱. موضوعات نشریه «پرتوهای نور»

مطالب مندرج در نشریه «پرتوهای نور»، به ایمان و تقوای مسیحی و آموزش علم اختصاص داشت. در اواخر ۱۲۷۶ ق. ۱۸۶۰ م. افزون بر مطالب مذکور نشر اخبار خارجی و محلی ارومیه نیز در دستور کار نشریه قرار گرفت (Becker, 105-106). اهمیت آموزش و تحصیل یکی از مهم‌ترین موضوعات مقالات نشریه «پرتوهای نور» بود. به عنوان مثال، در مقاله‌ای در شماره نوامبر ۱۲۶۵ ق. ۱۸۴۹ م. به اهمیت مدارس و تحصیل پرداخته و در ذیل آن درباره آثار بی‌سوادی بر افزایش رذالت‌های اخلاقی، مشکلات اقتصادی و ... صحبت شده بود (Murre- van den Berg, *From a Spoken to a Written*, 381-383). برخی از مقالات این نشریه به اصلاح عادات اخلاقی آسوریان اختصاص داشت. به عنوان نمونه، میسیونرهای آمریکایی نوشیدن شراب را یکی از عادات بد آسوریان می‌دانستند، از این رو

1. Zahrire d-bahra (Rays of Light).

در مقالاتی به شرح مضرات مشروبات الکلی پرداختند که نه تنها موجب جریمه آسوریان به وسیله حاکمان مسلمان می‌شد، بلکه بی‌اخلاقی‌های ناشی از مصرف شراب، مداخله مقامات مسلمان در جامعه آسوری را در پی داشت (Speer, 355-356; Malick, 33-34). یکی از بخش‌های مهم و عمده نشریه «پرتوهای نور»، آموزش علوم مختلف بود. میسیونرهای آمریکایی در واقع از طریق الهیات علم را به معنویت پیوند داده بودند. آن‌ها عقیده داشتند که می‌توان خالق را از طریق خلقت استنباط کرد. ایجاد شگفتی در افراد برای تبشیر، بخشی دیگر از پرورش میسیون بود (Becker, 124; Elshakry, 708). نکته شایان توجه آنکه میسیونرهای آمریکایی در خلال برخی از این مقالات، به‌طور ضمنی به برتری غرب اذعان داشتند. به عنوان نمونه، در مقاله‌ای که در ۱۲۶۷ ق.م. در مجله «پرتوهای نور» منتشر شد، به بررسی پنج نژاد انسانی موجود در دنیا شامل نژادهای اروپایی، آسیایی، آمریکایی، آفریقایی و استرالیایی اختصاص داشت. در این مقاله آمده بود که به این سبب ذهن نژادهای اروپایی برتر از سایر نژادهاست که مسیحیت واقعی ذهن سفیدپوستان را بیدار کرده بود. در مقاله مذکور برتری نژاد سفید بارها مورد تأکید قرار گرفت. همچنین، جوستین پرکینز کتاب پزشکی^۱ اثر فرانک یانگ^۲ را در اختیار آسوریان قرار داد. در این کتاب نیز پزشک خوب پزشکی بود که در اروپا و آمریکا آموزش دیده باشد (Becker, 128-129; Malick, 69). بنابراین، در لابه‌لای مقالات و کتب ارائه‌شده توسط میسیون، تفکر برتری غرب القاء می‌شد.

۳- تأثیرات حضور و فعالیت‌های میسیونرهای آمریکایی در میان آسوریان

۳-۱. ارتقای جایگاه زنان آسوری

به‌طور سنتی، آسوریان در ایران برای زنان و آموزش و تربیت آن‌ها وقعی نمی‌نهادند، اما در اثر فعالیت‌های میسیونرهای زن آمریکایی چون جودیت گرانت^۳، فیدلیا فیسک^۴، سارا رایس^۵ و نیز تأسیس مدرسه دینی اختصاصی برای دختران آسوری از سوی میسیون

1. Book of Medicine

۲. فرانک یانگ (Frank N.H Young) از میسیونرهای آمریکایی بود که طی سال‌های ۱۲۸۰-۱۲۷۷ ق.م.

۱۸۶۳-۱۸۶۰ م. در ارومیه خدمت کرد و کتاب پزشکی وی در زمینه ارائه تجویزهایی برای درمان

بیماریهای مختلف بوده است (Malick, 69).

3. Judith Grant

4. Fidelia Fiske

5. Sarah Rice

آمریکا، والدین آسوری تعصبات خود را کنار گذاشتند و با وقوف به ارزش تربیت برای دختران، از همان ابتدا دختران‌شان را به مدارس میسیون فرستادند. میزان رضایت آسوریان از تحصیل دختران‌شان تا آنجا بود که در جشن فارغ‌التحصیلی اول ژوئن ۱۸۵۴ م. ۱۲۷۰/۱ ق. دختران «مدرسه دینی فیسک»^۱ بسیاری از والدین آن‌ها خوشحال بودند و با تعجب فریاد می‌زدند «دختران ما نیز می‌توانند به خوبی پسران ما یاد بگیرند» (الدر، ۱۴-۱۲؛ حاجیان‌پور، ۳۴؛ احمدی، ۷-۶؛ Laurie, 234). پس از مدتی دختران آسوری آموزش دیده در مدارس میسیون، با اتمام دوران تحصیل، به‌عنوان معلمان بومی زن در کنار میسیونرهای آمریکایی در مدارس روستایی میسیون به فعالیت پرداختند. با ارتقای جایگاه زنان آسوری حتی میسیونرهای آمریکایی اقدام به ازدواج با برخی از این دختران کردند. به عنوان نمونه، جان رایت^۲ میسیونر آمریکایی با شوشان اوشانای^۳ آسوری در ارومیه ازدواج کرد (Wilson, 164-165; Becker, 263). نکته حائز اهمیت آن بود که تغییر نگاه به جایگاه زنان آسوری، تنها در میان زنان اتفاق نیفتاد، بلکه از آنجا که آموزش میسیون به صورت فراگیر برای پسران و حتی بزرگسالان انجام می‌شد، اکثریت جامعه آسوری آذربایجان در طول سال‌ها آموزش، نگاه جدیدی به زنان و دختران‌شان حاصل کردند. بدین ترتیب، فرانسیس پاکارد^۴ همسر میسیونر آمریکایی هنری پاکارد^۵ در توصیف وضعیت زنان آسوری در ۱۳۳۶ ق. ۱۹۱۸ م. بیان داشته که برخی مادران در اثر تحصیل در مدارس میسیون آمریکایی و ارتباط با آن‌ها تصمیم گرفتند دختران‌شان در سنین بالاتر ازدواج کنند. همچنین پسران آسوری فارغ‌التحصیل مدارس آمریکایی دیگر خواهان آن نبودند که با دختر بچه‌های بی‌سواد ازدواج کنند (Packard, 31). توماس لاری^۶ میسیونر آمریکایی (۱۸۹۷-۱۸۲۱ م.) نیز در کتاب زن و منجی او^۷ به تغییر رفتارهای مردان آسوری اشاره می‌کند، زیرا آن‌ها حقوق زنان‌شان را رعایت کرده و مانند قبل با آن‌ها برخورد نمی‌کردند. از طرفی مدارس دینی دختران بسیار مورد توجه مسلمانان واقع شد، زیرا تربیت دینی در آداب و رفتار و پوشش و ظاهر دختران آسوری بسیار تأثیرگذار بود (Laurie, 25-26). خود آسوریان نیز به نتایج مفید آموزش زنان اذعان

-
1. The Fiske Seminary
 2. Rev. J.N. Wright
 3. Shushan Oshana
 4. Frances.B Packard
 5. Henry P. Packard
 6. Rev. Thomas Laurie
 7. Woman and her Saviour in Persia

داشته، زیرا بر این باور بودند که دختران تحصیل کرده مادران، همسران و زنان بهتری نسبت به گذشته خود هستند (Adams, *Persia By A Persian*, 244; Daniel, 204-205).

۳-۲. تنزل قدرت بطریق نسطوری

برخلاف جامعه آسوری آذربایجان، روحانیان و به‌خصوص بطریق نسطوریان، نگاه مثبتی به میسیونرهای آمریکایی نداشتند. بطریق نسطوری با افزایش فعالیت‌های میسیونرهای آمریکایی، به‌ویژه در تأسیس و گسترش مدارس میسیون، احساس خطر نمود و در صدد مخالفت با میسیون آمریکا برآمد (آرشیو ۱۲۵۶ق.، پرونده ۱۳، سریال ۱۳؛ همراز، ۱۳۲؛ Flynn, 637-638, 740). میسیونرهای آمریکایی در این شرایط به تطمیع کشیشان نسطوری پرداختند و آن‌ها را به سوی خود متمایل کردند. بطریق نسطوری نیز به‌تنهایی قادر به مقاومت در برابر میسیون نبود و به‌ناچار با آن‌ها مصالحه نمود (Wagner, 256-259). از این‌رو، یکی از اثرات مهم فعالیت‌های میسیونرهای آمریکایی کاهش و تنزل قدرت و جایگاه بطریق نسطوری بود. از طرفی با توجه به پرداخت‌های نقدی میسیون به کشیش‌های نسطوری آن‌ها دیگر به سخنان بطریق اعتنایی نداشتند و بیشتر به‌عنوان همکاران و حامیان میسیونرهای آمریکایی عمل می‌کردند.

۳-۳. مهاجرت‌های آسوریان به آمریکا

آسوریان به‌واسطه مسیحی بودن نمی‌توانستند بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی را در میان مسلمانان داشته باشند. البته این وضعیت آسوریان نه تنها به‌سبب محدودیت‌های دولتی، بلکه بنابراین واقعیت بود که مسلمانان محلی با قصابان، نانوایان و تاجران مواد غذایی آسوری دادوستد نمی‌کردند. چون با استیلای روسیه بر قفقاز این مناطق تحت حاکمیت یک قدرت مسیحی قرار گرفته بود، آسوریان به‌طور سنتی برای گذران زندگی، در جست‌وجوی شغل فصلی یا دائمی به روسیه مهاجرت می‌کردند. عموماً مردان به این سفرها می‌رفتند و ابتدا به جلفا و از آنجا به تفلیس و مناطق شمالی عزیمت می‌کردند. اکثر آسوریان که به روسیه رفته بودند، پس از چند سال کار با پس‌اندازهای خود به ارومیه بازمی‌گشتند (Naby, "The Assyrians of Iran", 247). با حضور و فعالیت‌های میسیونرهای آمریکایی در آذربایجان آسوریان برای مهاجرت یک گزینه جدید یافتند. توضیح آنکه از ۱۲۶۶ ق. ۱۸۵۰ م. آسوریان از طریق تماس با

میسوینرهای آمریکایی، با کشف فرصت‌های شغلی در آمریکای شمالی، دیگر به اشتغال در روسیه بسنده نکردند و تدریجاً به مهاجرت به کانادا و ایالات متحده آمریکا روی آوردند. بسیاری از آسوریان پس از سفر به آمریکا به ایران بازگشتند، اما به تدریج با خانواده‌های خود برای همیشه به آمریکا مهاجرت کردند. به این ترتیب، مستملکاتی متعلق به آسوریان ایران در مراکز صنعتی آمریکای شمالی پدید آمد (افشار، ۲۶؛ Naby, "The Assyrians of Iran", 247; Naby, "The Assyrian diaspora", 219) و در نتیجه مهاجرت به آمریکا خصوصاً برای جوانان آسوری به یکی از مهم‌ترین آمال تبدیل شده بود. به گفته واگنر مؤرخ آلمانی، جوانان خدمتکار و دستیار میسیون آمریکا را سرزمین موعود می‌پنداشتند و حتی به او التماس می‌کردند که کمک کند تا این آرزوی آن‌ها برآورده شود. جوانان آسوری گمان می‌کردند با آموزش زبان انگلیسی در نظر میسیونرهای آمریکایی چون پرکینز، جایگاه والتری یافته و راه برای ورود آن‌ها به آمریکا هموار خواهد شد. از طرفی، چنان‌که گفته شد، خود میسیونرهای آمریکایی در قالب مقالات، کتب و آموزش‌ها برتری غرب و آمریکا را به آسوریان القاء می‌کردند. از این رو، نتیجه آموزش‌ها و تعامل با میسیونرهای آمریکایی گرایش هر چه بیشتر جوانان آسوری برای مهاجرت به آمریکا بود (همراز، ۱۳۰؛ Wagner, 250-251). با گذشت زمان به تدریج برخی ایالت‌های آمریکا چون شیکاگو و کالیفرنیا مأمنی برای آسوریان آذربایجان شد و منطقه آذربایجان تقریباً از حضور آسوریان خالی گردید (افشار، ۲۶؛ قزوینیان، ۱۶۱-۱۶۲).

۳-۴. ایجاد دوگانگی‌های فرهنگی و بی‌هویتی در جامعه آسوری آذربایجان

احساس هویت و وحدت از ابتدا در میان آسوریان آذربایجان وجود داشت، زیرا زبان، سنت و مذهب واحد آن‌ها را به یکدیگر پیوند می‌زد. اما آمدن میسیون‌های مسیحی به خصوص میسیون آمریکا به وحدت آسوری‌ها پایان داد. آن‌ها آموزش‌های غربی را در کنار اختلاف فرق مسیحی غربی برای آسوریان به ارمغان آورده بودند. در اکثر مدارس به‌ویژه مدرسه علوم دینی فیسک و «کالج ارومیه»^۱ زبان سریانی کلاسیک، که برای پیوند با سنت و ادبیات آسوری ضروری می‌نمود، تدریس نمی‌شد. همچنین، آموزش زبان انگلیسی و سایر زبان‌های غربی در تمام پایه‌های ابتدایی آغاز شد که حفظ زبان آسوری

را با چالش مواجه می‌کرد (Naby, "The Assyrians of Iran", 239-240). آسوریان هیچ اثر ادبی یا تاریخی اصیل به زبان بومی خود را در دسترس نداشتند و تنها بر کتب درسی ارائه‌شده توسط غربی‌ها تکیه می‌کردند. بنابراین، سنت‌های مهم آسوری به دانش‌آموزانی که در مدارس غربی تحصیل می‌کردند، انتقال پیدا نمی‌کرد. این فقدان تماس و ارتباط با فرهنگ گذشته بیگانگی از پیشینه فرهنگی و مذهبی خود را در پی داشت (Perkins, *A Residenc*, 418; Malick, 6-8). از سوی دیگر، آذربایجان میدان رقابتی برای میسیونرهای کاتولیک، پرسبترین، ارتدوکس و دیگران شده بود. هر یک از میسیون‌های نامبرده با ارائه کمک‌های مادی، خدمات آموزشی، بهداشتی و یا تهدید و ارعاب می‌کوشید که مسیحیان منطقه آذربایجان را به جانب خود جلب کند. بنابراین، فعاليت‌های میسیونرهای مسیحی به نوعی باعث ازهم‌گسیختگی جامعه مسیحی و به تناسب آن جامعه آسوری در ایالت آذربایجان شد. در این شرایط، موضوع تغییر مذهب در میان مسیحیان آذربایجان به گونه‌ای رایج گردید که یک مسیحی بنا بر منافع خود به راحتی تعویض یک لباس، مذهب خود را تغییر دهد. در واقع، آسوریان احساس می‌کردند می‌توانند به راحتی تغییر مذهب دهند، بدون اینکه به هویت آسوری آن‌ها خدشه‌ای وارد آید (Wilson, 170-172; Naby, "The Assyrians of Iran", 241; Becker, 279).

در شرایط تشنگی و تفرقه ناشی از رقابت‌های میسیون‌های مسیحی، از سوی گروهی از قوم‌گرایان آسوری در سال‌های ۱۳۳۲-۱۳۲۴ ق. / ۱۹۱۴-۱۹۰۶ م. پیشنهاد سازماندهی اقدامی فرهنگی در جهت اتحاد مجدد جامعه آسوری مطرح شد. این روشنفکران آسوری فارغ‌التحصیلان مدارس میسیون آمریکایی بودند که بعدها به‌عنوان معلمان بومی کالج ارومیه و نیز نویسندگان برخی مقالات مجله «پرتوهای نور» مشغول به کار شدند.^۱ آن‌ها با درک مشکلات جامعه ازهم‌گسیخته آسوری در راه درمان آن گام برداشتند (Naby, "The Assyrians of Iran", 242-243). ابتدا در ۱۳۱۳ ق. / ۱۸۹۵ م.

۱. انگیزه جنبش اتحاد جامعه آسوری از عوامل خارجی متعدد ناشی می‌شد، زیرا این جنبش مصادف با مرحله اول جنبش مشروطیت در ایران (۱۳۲۷-۱۳۲۴ ق. / ۱۹۰۹-۱۹۰۶ م.) و ایجاد فضای عمومی لیبرال در کشور و نیز تضعیف اقتدار حاکمیت مرکزی ایران و فشارهای بیشتر روسیه و بریتانیا بر ایران بود. اما بانیان این جنبش اغلب محصول و دست‌پرورده میسیون آمریکا در آذربایجان بودند، از این‌رو بدون شک ایجاد این جنبش قوم‌گرایی در کنار سایر عوامل، متأثر از آموزش‌های میسیون آمریکا بود (Naby, "The Assyrians of Iran", 243).

افرادی چون الیسا آدام^۱ و آبراهام مورهاچ^۲ که از فارغ‌التحصیلان و معلمان میسیون در ارومیه و سلماس بودند، مقالاتی دربارهٔ وحدت ازدست‌رفتهٔ آسوریان و لزوم اتحاد ملت آسوری در نشریهٔ «پرتوهای نور» منتشر کردند. به عنوان نمونه، مورهاچ در مقالهٔ خود با عنوان «اتحاد ملت»^۳ اشاره کرده که میسیون‌ها گرچه موجب تفرقه آسوری‌ها شده بودند، اما امکان تفکر در مورد ملیت فارغ از دین و مذهب را نیز فراهم کرده که به نوعی بازگشت به وحدت بود (Becker, 282). بعد از گذشت چند سال، سران روشنفکر جامعهٔ آسوری در ۱۳۲۵ ق. / ۱۹۰۷ م. انجمن ملی آسوریان را سازماندهی کردند و سپس هفته‌نامهٔ قوم‌گرای آسوری با نام «کوخوا» (ستاره)^۴ را منتشر نمودند (Ibid., 285-286). باید توجه داشت که به‌رغم اختلاف نظر میسیون آمریکا با قوم‌گرایان آسوری، میسیون از کمیتهٔ ملی آسوری حمایت می‌کرد و اجازه می‌داد تا مقالاتشان در مطبوعات میسیون منتشر شود. اکثر اعضای هیئت تحریریهٔ هفته‌نامه «کوخوا» از اعضای کلیسای انجیلی آسوری^۵ بودند، از جمله می‌توان به شمعون گنجی^۶ و لازار پرا^۷ اشاره کرد که هر دو در یتیم‌خانهٔ کنانیشو^۸ در گوگ تپه ارومیه زیر نظر میسیون آمریکایی پرورش یافته بودند. عضو دیگر اسحاق یوحنا^۹ بود که توسط میسیونرهای آمریکایی آموزش دیده و نیز برای ادامه تحصیل به آمریکا رفته بود. سردبیر این هفته‌نامه جان موسه^{۱۰} (۱۸۷۴-۱۹۱۸ م.) نیز فارغ‌التحصیل مدرسه و کالج میسیون در ارومیه بود و

1. Elisha Adam

2. Abraham Morhatch

3. Unity of the Nation

4. Kokhva (Star)

۵. کلیسای انجیلی آسوری (The Syrian Evangelical Church) یا کلیسای اصلاح‌شدهٔ آسوری در اوایل دههٔ ۱۸۷۰ م. در ارومیه تأسیس شد و تا اواخر قرن نوزدهم میلادی، تعداد اعضای آن رو به افزایش بود. بدین ترتیب، آسوریان عضو کلیسای آسوری شرق با تغییر دین به مذهب پروتستان به عضویت کلیسای انجیلی آسوری درآمدند. میسیونرهای آمریکایی در ابتدا تنها در جهت احیای کلیسای قدیم نستوری بدون هیچ‌گونه دخالتی در ساختار و آداب این کلیسا گام برداشتند. اما آن‌ها در مرحلهٔ بعد پس از آماده‌نمودن شرایط و تربیت و آموزش آسوریان به تدریج در زمینهٔ ایجاد سازمان کلیسای جدید پروتستان برای آسوریان، که کلیسای انجیلی آسوری نامیده شد، اقدام کردند (برای اطلاع بیشتر نک. Wilson, 57-58; Shedd, 31).

6. Shem'on Ganji

7. Lazar Pera

8. orphanage of Khenanisho^۸

9. Isaac Yohannan

10. John Mushe

برای ادامهٔ تحصيل به کالج کولگيت^۱ در آمريکا رفت و پس از بازگشت به ايران مدير مدارس روستايی ميسيون آمريکا در دشت اروميه شد (Naby, "The Assyrians of Iran", 243; Becker, 289). هفته‌نامهٔ «کوخوا» در طول ۹ سال انتشار در صدد بود تا با زنده نگاه داشتن زبان، ادبيات و ميراث فرهنگي آسوري، وحدت از دست‌رفتهٔ جامعهٔ ايشان را تجديد کند (Naby, "Assyrians of Iran", 243-245). آدام بکر معتقد است که تمايز ميان دين و مليت ایده‌ای بود که توسط ميسيونرهای آمريکايی ترويج و به فرياد اعتراض قوم‌گرايان آسوري تبديل شد (Becker, 297). به‌راستي ميسيونرهای آمريکايی مروج ایدهٔ تمايز ميان دين و مليت بودند، زيرا ويلسون^۲ (۱۸۵۸-۱۹۱۶ م.) ميسيونر آمريکايی در کتاب خود به اين مسئله اذعان داشته است که تغيير عقیدهٔ دينی و مذهبی تأثیری بر نژاد و قوميت يک مسيحي آسوري يا ارمني نخواهد داشت. لازم به ذکر است که اين قوم‌گرايي اوليه، حتی پس از تشکيل اتحاديهٔ آسوري و تأسيس هفته‌نامهٔ «کوخوا»، به‌سوی دعاوی ارضی پيش نرفت. البته برخی محققان معتقدند اقدامات و اعمال آسوريان در آذربايجان نشان‌گر حرکتی قوم‌گرايانه همراه با دعاوی ارضی بود (کسروی، ۵۷۵، ۵۹۶؛ Becker, 297; Wilson, 175-176).

۳-۵. ايجاد خصومت ميان آسوريان و مسلمانان

ميسيونرهای آمريکايی افزون بر رقابت با ساير ميسيون‌های مسيحي ايجاد دودستگي و برادرکشي در ميان جامعهٔ مسيحي ايران، بذر کينه و دشمني را در دل‌های مسيحيان و مسلمانان کاشتند (پولاک، ۲۴۳؛ Sansarian, 42). ميسيونرهای آمريکايی در مدت حضور خود با برتری‌دادن به اقليت‌های مسيحي و به‌خصوص آسوريان، موجب ايجاد نفرت و کينه نسبت به مسيحيان در ميان مسلمانان منطقهٔ آذربايجان می‌شدند. به‌عنوان نمونه، در هنگام بروز قحطی و فقر شديد در آذربايجان طی سال‌های ۱۲۹۶-۱۲۹۷ ق. ۱۸۷۹-۱۸۸۸ م. ميسيونرهای آمريکايی در توزيع غذا، پول و خدمات، اولويت را به مسيحيان و آسوريان می‌دادند و مسلمانان هميشه در آخرين مرتبه قرار داشتند. حتی در بين مسلمانان نیز تنها مسلمانانی که نسبت به فعاليت‌های ميسيون آمريکا ادعایی نداشتند، از کمک‌ها و خدمات ميسيون بهره‌مند می‌شدند (Speer, 67-68, 71).

1. Colgate College

2. Rev. Samuel Graham Wilson

با آغاز جنگ اول جهانی در ۱۳۳۲ ق. / ۱۹۱۴ م. ارومیه به واسطه حملات عثمانی و تمرکز قوای روس شکل منطقه جنگی به خود گرفته بود. اختیارات کاملاً در دست روس‌ها بود و حتی اعتماد الدوله،^۱ حاکم ارومیه تحت فرمان روس‌ها حکومت می‌کرد. مسیحیان ارومیه با ورود روس‌ها، به جانب آن‌ها متمایل شده و به آزار مسلمانان پرداختند. این حرکات مسیحیان موجب کدورت مسلمانان می‌شد که از ترس قوای روس قدرت اظهار آن را نداشتند. برخی از مسلمانان شهر نیز با شکست و عقب‌نشینی قوای روس در ۱۳۳۳ ق. / ۱۹۱۵ م. و ورود نیروهای عثمانی و اکراد به ارومیه، به غارت اموال مسیحیان فراری پرداختند. در این شرایط، آسوریان باقی‌مانده در ارومیه که شاهد تخلیه ارومیه از قوای روس بودند، اطمینان داشتند که مسلمانان در صدد انتقام‌جویی برخوانند آمد (توفیق، ۱۴؛ کسروی، ۴۸۷-۴۹۳، ۴۹۷-۴۹۸). این در حالی بود که نفرت ایجاد شده میان آسوریان و مسلمانان به وسیله میسیونرهای آمریکایی در سال‌های جنگ اول جهانی به خصوص در ۱۳۳۶-۱۳۳۵ ق. / ۱۹۱۸-۱۹۱۷ م. شعله‌ورتر می‌شد، زیرا در سال ۱۳۳۵ ق. / ۱۹۱۷ م. میسیونرهای آمریکایی پول‌های اعانه جهت تهیه غذا و مایحتاج عمومی مسیحیان را برای خرید سلاح و تجهیزات نظامی هزینه کردند تا گروه‌های نظامی آسوری را مسلح کنند (آرشیو ۱۳۳۶ ق، پرونده ۱۹، سریال ۱۵۸؛ توفیق، ۱۴؛ کسروی، ۵۷۵-۵۸۲؛ Packard, 11). به دنبال این اقدام در ۱۳۳۶ ق. / ۱۹۱۸ م. ویلیام شد^۲ میسیونر آمریکایی از سوی دولت آمریکا به منصب کنسولگری آمریکا در ارومیه منصوب شد و در کنار وی هنری پاکارد^۳ به‌عنوان فرمانده نیروهای مسلح آسوری

۱. اعتمادالدوله در ۱۳۳۲ ق. از سوی صمدخان شجاع الدوله، حاکم تبریز به‌عنوان حاکم ارومیه انتخاب شد و تحت اختیار روس‌ها حکومت نمود. پس از مدتی یمین الدوله (عموی جوان محمد حسن میرزای ولیعهد) به‌عنوان حاکم ارومیه، از طرف دولت از تهران به ارومیه اعزام شد. وی نیز حامی روس‌ها و مسیحیان بود اما وی پس از چند ماه حکومت معزول شد و این بار عموی دیگر محمد حسن میرزا یعنی محمد صادق میرزا معز الدوله به‌عنوان حاکم ارومیه انتخاب شد و در فاصله شوال ۱۳۳۳ ق. تا ربیع الاول ۱۳۳۴ ق. (حدود شش ماه) در ارومیه حکومت کرد. اما ظاهراً روس‌ها دوباره اعتمادالدوله را که در خوی حکومت داشت، به ارومیه آورده و از طرف دولت نیز حکومت وی تصویب گردید. اعتمادالدوله تا اواخر بهار ۱۳۳۵ ق. در ارومیه حکومت نمود و با وقوع انقلاب بولشویکی در روسیه در ۱۳۳۵ ق. / ۱۹۱۷ م. اعتماد الدوله معزول شد (برای اطلاع بیشتر نک. بیات، نامه‌های ارومیه، مقدمه، ۲۱-۳۲؛ توفیق، ۴، ۷-۹؛ کسروی، ۴۹۳، ۴۴۴، ۵۶۷).

2. Rev. William Ambrose Shedd

3. Henry P. Packard

انتخاب گردید. با این اقدامات میسیونرهای آمریکایی شرایط برای تعرضات آسوریان بر مسلمانان تسهیل شد، چنان‌که با یک جرعه آتش خشم آسوریان نسبت به مسلمانان شعله کشید و با کشته‌شدن مارشیمون آسوری توسط اسماعیل سمیتکو آسوریان مسلح‌شده توسط میسیون آمریکا تعداد زیادی از مسلمانان آذربایجان را قتل عام کردند (توفیق، ۱۷-۱۹؛ کسروی، ۵۸۶-۵۸۹؛ معتمد‌الوزاره، ۴۱-۴۹؛ Packard, 13). حملات مسیحیان و آسوریان به مسلمانان تا آنجا شدید و ناگوار بود که مسیحیان در ۱۳۳۶ ق.م. حتی به حمام‌های زنانه مسلمانان حمله کرده و به غارت زیورآلات و وسایل زنان می‌پرداختند. به سبب شدت حملات و کشتار اهالی ارومیه جرأت رفتن به مزارع خود و برداشت محصول را نداشتند و کنسولگری آمریکا نیز فروش گندم به مسلمانان را اکیداً ممنوع کرده بود. در این شرایط، حاکم ارومیه طی نامه‌ای مراتب شکایت اهالی مسلمان ارومیه را به کنسول آمریکا دکتر شد اعلام کرد. به موجب این نامه دکتر شد، رئیس کمیسیون امنیه ارومیه و کنسول و میسیونر آمریکایی، در اعلانی قتل و غارت و اغتشاش مسیحیان (ارامنه و آسوریان) را ممنوع اعلام کرده بود (آرشیو ۱۳۳۹ ق.م. پرونده ۱۷، سریال ۳۷-۴۸؛ معتمد‌الوزاره، ۱۷۶-۱۸۱). موضوع به این غائله ختم نشد، زیرا دکتر پاکارد در قحطی سال ۱۳۳۶ ق.م. در آذربایجان، با تهیه غذا و آب تنها برای مسیحیان و آسوریان کینه مسلمانان منطقه را بیشتر کرده بود.^۱ در پاسخ مردم و مسلمانان محلی به عمارت میسیون آمریکایی حمله کردند و مایحتاج خود را به غارت برده و دوپست‌وهفتاد نفر از آسوریان پناهنده در عمارت را به قتل رساندند (آرشیو ۱۳۳۷ ق.م. پرونده ۲۲، سریال ۳۵؛ آرشیو ۱۳۳۳ ق.م. پرونده ۱۱، سریال ۵-۹؛ Packard, 18-19). بدین ترتیب، میسیونرهای آمریکایی که بنیان امور خیریه و دینی بودند، باعث ایجاد اختلاف و کدورت میان آسوریان و مسلمانان آذربایجان شده بودند (کسروی، ۶۱۴).

۱. رحمت‌الله توفیق درباره اقدامات دکتر شد در هنگام بروز قحطی جنگ اول جهانی اظهار داشته که مردم در ماه رمضان شبانه به زمین‌های زراعی اطراف شهر می‌رفتند و محصولات نارس را برداشت کرده و در خانه‌ها با آسیاب‌های دستی خرد و از آن‌ها نان تهیه می‌کردند. اما در این شرایط دکتر شد، که سمت کنسولی آمریکا در ارومیه را داشت، فرمان داد تا آسیاب‌های دستی را از خانه‌ها جمع‌آوری نمایند. مسیحیان و جیلوها نیز به خانه داخل شده و آسیاب‌های دستی را جمع کرده و بردند. حال به گفته توفیق، دکتر شد از این اقدام یکی از دو هدف ذیل را دنبال می‌کرد: یا در پی آن بود که مردم محصولات نارس را نخورند و تلف نشوند، یا اینکه از این طریق می‌خواست افرادی که از گلوله و قحطی جان سالم به در برده بودند یک‌باره از گرسنگی بمیرند (توفیق، ۴۹-۵۰).

۳-۶. تربیت نسل جدیدی از واسطه‌های فرهنگی میان شرق و غرب

در اواخر قرن نوزدهم، برخی از آسوریان به‌خصوص آن‌هایی که در مدارس میسیون آمریکا تحصیل کرده بودند، با سفر به آمریکا، انگلستان، کانادا و... به‌عنوان شرقی در ممالک غربی پیرامون موضوعات شرق، ایران و آسوری‌ها سخنرانی یا به نگارش مقالات و کتب مختلف مبادرت می‌ورزیدند. بسیاری از آسوریان تربیت‌شده میسیون آمریکایی که به ایالات متحده آمریکا سفر می‌کردند، واسطه‌های مهمی برای معرفی ایران و شرق در غرب تبدیل شده بودند. به‌عنوان نمونه، یکی از جوانان آسوری به نام آبراهام یوحنا^۱ (۱۸۵۳-۱۹۲۵ م.)، فارغ‌التحصیل و مدرس کالج آمریکایی ارومیه، در ۱۸۸۶ م. از سوی «انجمن کتاب مقدس آمریکا»^۲ به نیویورک دعوت شد تا بر روی ترجمه کتاب مقدس به زبان محلی سریانی کار کند. او سپس تحصیلات دکتری خود را در دانشگاه کلمبیا زیر نظر شرق‌شناس ریچارد گاتایل^۳ (۱۸۶۲-۱۹۳۶ م.) و محقق ایران‌شناس آبراهام جکسون^۴ به پایان رساند و تا زمان مرگش به‌عنوان استاد زبان‌های شرقی در این دانشگاه تدریس کرد. وی در دانشگاه کلمبیا به‌عنوان یک واسطه فرهنگی خدمت می‌کرد (Nabby, "The Assyrian diaspora", 219-220; Becker, 323). مورد دیگر، موشه دنیل^۵ فارغ‌التحصیل کالج ارومیه بود که پس از چند سال کار در میسیون آمریکا در ارومیه برای ادامه تحصیل به «مدرسه علوم دینی مک کورمیک»^۶ شیکاگو وارد شد. وی در ۱۳۱۶ ق. ۱۸۹۸ م. کتاب *ایران مدرن*^۷ را در تورنتو منتشر کرد. این کتاب به معرفی ایران و به‌خصوص تاریخ و فرهنگ آسوریان اختصاص دارد (Daniel, 5-8). از دیگر آسوریان که در زمینه معرفی ایران و آسوریان فعالیت کردند، می‌توان از ایزاک آدامز^۸ (۱۸۷۲-۱۹۴۲ م.) نام برد که دو کتاب تاریکی و سپیده دم^۹ و *ایران از زبان یک ایرانی*^{۱۰} خود را در سال‌های ۱۳۱۶ ق. ۱۸۹۸ م. و ۱۳۱۸ ق. ۱۹۰۰ م. در آمریکا منتشر کرد. او در این کتاب‌ها، که بیشتر در قالب خاطرات شخصی است، به‌عنوان یک ایرانی آسوری به

1. Abraham Yohannan
2. The American Bible Society
3. Richard James Horatio Gottheil
4. Abraham Valentine Williams Jackson
5. Moshe G. Daniel
6. McCormick Seminary
7. Modern Persia
8. Isaac Adams
9. Darkness and Daybreak
10. Persia By A Persian

وضعیت فرهنگی و اجتماعی ایران پرداخته‌است (Adams, *Darkness and Daybreak*, 6-7). ژوزف کنانیشو^۱ پسر کنانیشو مراتخان^۲ نیز از جمله دستیاران نسل سوم میسیون آمریکا بود. او نیز در کتابی تحت عنوان درباره ایران و مردمانش^۳ به شیوه مردم‌شناسانه، آداب و رسوم و زندگی اجتماعی ایرانیان به‌ویژه آسوریان را توصیف نموده است (Knanishu, 7-10). بدین ترتیب، برخی از آسوریان تربیت‌شده در مدارس و کالج میسیون در ارومیه، پس از سفر به ایالات متحده آمریکا، در قالب استاد دانشگاه، نویسندگان و... به معرفی ایران و ایرانیان پرداختند.^۴ از این رو، آن‌ها در کنار میسیونرهای آمریکایی جزو پیشگامان مسیر شرق‌شناسی و ایران‌شناسی در ایالات متحده آمریکا شدند. ظهور این نسل از آسوریان برای انجام این رسالت، بی‌شک تحت تأثیر تعامل و آموزش‌های میسیونرهای آمریکایی در آذربایجان بود.

نتیجه

بنابر آنچه گذشت، چنین به دست آمده که آسوریان آذربایجان در ایران مقارن ورود میسیونرهای آمریکایی از نظر اجتماعی در جایگاه ضعف و فقر بودند، از این رو اکثریت توده آسوری از ورود میسیون آمریکایی، که از منابع مالی برخوردار بود، استقبال کردند. آن‌ها که در میان اکثریت مسلمان منطقه جایگاهی نداشتند، با کسب اطلاع از دانش و فناوری غرب - که از جانب میسیونرهای آمریکایی مطرح و تبلیغ می‌شد - از یک‌سو، و

1. Joseph Knanishu

۲. کنانیشو مراتخان (Knanishu Moratkhan) از آسوریان بومی ارومیه بود که چندین مدرسه برای تعلیم آسوریان تأسیس نمود و مشغول تعلیم و آموزش آسوریان بود. ناصرالدین شاه که قدر دان اقدامات وی بود، در سال ۱۳۰۹ ق/۱۸۹۲ م. درجه «ملت باشی» Milet Basshi را به وی اعطاء کرد (برای اطلاع بیشتر نک: Knanishu. 203-204).

3. About Persia and Its People

۴. دکتر یحیی ارمجانی که در ۱۳۱۷ ش. به آمریکا مسافرت کرده بود، در یادداشت‌های خود تحت عنوان «از نیویورک تا تهران» که در روزنامه اطلاعات در ۱۳۱۸ ش. منتشر کرده، به این نکته اشاره دارد که آسوریان آمریکا اغلب پیش از جنگ بین‌الملل اول به آمریکا مهاجرت کرده و در سرزمین آمریکا پراکنده شدند. آن‌ها در کالیفرنیا بیشتر به امور روستایی می‌پرداختند، ولی در جاهای دیگر بازرگانی می‌کنند و در دادوستد قالی ایران تخصص دارند. منازل آن‌ها مانند خانه‌های ایرانی تزیین شده و خوراک‌شان همیشه ایرانی است. آسوریان آذربایجان در آمریکا اغلب از تابعیت ایران خارج نشده و همواره خود را ایرانی معرفی می‌کردند. بنابراین، نه تنها قشر تحصیل‌کرده آسوری بلکه اکثریت آسوریان در آمریکا معرف فرهنگ و آداب ایران بودند (برای اطلاع بیشتر نک: ارمجانی، ۵).

از دیگر سو بر خورداری از حمایت‌های چندجانبه آن‌ها به میسیون آمریکایی گرایش پیدا کردند. در اثر تعامل و ارائه خدمات میسیونرهای آمریکایی تحولات و تأثیرات مختلفی در حیات فرهنگی، مذهبی، اقتصادی و سیاسی جامعه آسوریان آذربایجان رخ داد. آن‌ها توانستند با تحصیل، یادگیری علوم و حرف مختلف در مدارس میسیون، در جامعه ایرانی جایگاهی کسب کنند که سابق بر این از آن محروم بودند. بسیاری از فارغ‌التحصیلان زن و مرد آسوری خود به‌عنوان معلمان بومی مدارس و کالج میسیون آمریکا و نیز مبرشران بومی در میان مسلمانان و مسیحیان مشغول به کار شدند. عده‌ای از جوانان آسوری جویای کار و شیفته تمدن و تکنولوژی آمریکا در اثر رابطه با میسیونرهای آمریکایی ایران را به مقصد آمریکا ترک کرده و برای همیشه مهاجرت کردند. زنان و دختران آسوری، که همانند سایر زنان جامعه قاجار از کمترین جایگاه اجتماعی برخوردار بودند، تحت تأثیر آموزش‌های میسیون موقعیت بهتری را کسب کردند. بطریق آسوریان، برخلاف توده آسوری آذربایجان، تحت تأثیر فعالیت‌های میسیونرهای آمریکایی کارکرد و جایگاه سابق خود را از دست داد. میسیون آمریکایی در کنار سایر میسیون‌های مسیحی با ایجاد یک میدان رقابت برای جذب بیشتر مسیحیان اغلب آن‌ها و به‌ویژه آسوریان را دچار از خودباختگی مذهبی کرد و موجب تجزیه جامعه آسوری شد. این در حالی بود که میسیون آمریکایی با ایجاد و ترویج ایده تمایز میان دین و ملیت غیر مستقیم در ایجاد قومگرایی نوین در میان آسوریان مؤثر واقع شدند. میسیونرهای آمریکایی همچنین با اقدامات نادرست خود، خواسته یا ناخواسته زمینه تقابل بیشتر میان آسوریان و مسلمانان آذربایجان را فراهم کردند. در نهایت، میسیونرهای آمریکایی نسلی جدیدی از آسوریان را تربیت کردند که نقش واسطه‌های فرهنگی میان ایران و آمریکا را عهده‌دار شدند و در کنار میسیونرهای آمریکایی معرف ایران و آسوریان در غرب گردیدند.

منابع

۱. احمدی، حسین، «کوشش ميسيونرهای آمريکايی برای جذب نسطوری‌ها (از دوره محمد شاه تا اوایل سلطنت ناصرالدین شاه قاجار)»، پژوهش‌نامه تاريخ، سال سوم، ش ۱۱، ۱۳۸۷، ۲۷-۱.
۲. ارمجانی، يحيی، «از نيويورک تا تهران»، اطلاعات، سال چهاردهم، ش ۴۰۳۶، ۱۴ آذر ۱۳۱۸.
۳. افشار، ایرج، «نسطوریان ایران؛ آسوری‌ها و کلدانی‌ها»، اطلاعات ماهانه، ش ۴۰، تیرماه، ۱۳۴۰.
۴. الدر، جان، تاريخ ميسيون آمريکايی، ترجمه سهيل آذری، تهران، نورجهان، ۱۳۳۳.
۵. بیات، کاوه، نامه‌های ارومیه: اسناد و مکاتبات محمد صادق ميرزا معزالدوله از حکومت ارومیه شوال ۱۳۳۳ تا ربیع‌الاول ۱۳۳۴ هجری قمری، تهران، فروزان روز، ۱۳۷۹.
۶. بولاک، ياکوب ادوارد، سفرنامه بولاک، ترجمه کیکاوس جهانداري، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۱.
۷. توفيق، رحمت‌الله، تاريخچه ارومیه: يادداشت‌هایی از سال‌های جنگ اول جهانی و آشوب بعد از آن، تهران، پردیس دانش، ۱۳۹۳.
۸. حاجیان پور، حمید و خاموشی، موسی، «ميسيونرهای آمريکايی و فعاليت در میان نسطوریان ارومیه و روستاهای اطراف آن (۱۸۴۳-۱۸۳۵م/۱۲۵۹-۱۲۵۱ق)»، جستارهای تاريخی، سال هفتم، ش ۲، ۱۳۹۵، ۴۴-۱۹.
۹. شکرزاده، حسين علی، کلیساهای استان آذربايجان غربی، پایان نامه ارشد دفاع شده در دانشگاه تبریز، ۱۳۸۱.
۱۰. قزوینیان، جان، ایران و آمريکا: تاريخ یک رابطه از ۱۷۲۰ تا ۲۰۲۰، ترجمه محسن عسکری جهقی، تهران، نیماژ، ۱۴۰۰.
۱۱. کسروی، احمد، تاريخ هیجده ساله آذربايجان، تهران، نگاه، ۱۳۸۶.
۱۲. معتمدالوزاره، رحمت‌الله‌خان، ارومیه در محاربه عالم‌سوز: از مقدمه نصارا تا بلوای اسمعیل آقا (۱۳۰۰-۱۲۹۸ شمسی)، به کوشش کاوه بیات، تهران، شیرازه کتاب ما، ۱۳۹۸.
۱۳. ناطق، هما، کارنامه فرهنگي فرنگي در ایران، پاریس، خاوران، ۱۳۷۵.
۱۴. همراز، ویدا، مبلغان مسیحی در ایران، از صفویه تا انقلاب اسلامی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۱.
۱۵. یسلسون، آبراهام، روابط سیاسی ایران و آمريکا، ترجمه محمد باقر آرام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۸.
۱۶. آرشیو اسناد وزارت خارجه، اسناد قدیمه، ۱۲۵۶ق، کارتن ۵، پرونده ۱۳.
۱۷. آرشیو اسناد وزارت خارجه، اسناد قدیمه، ۱۳۳۳ق، کارتن ۳۵، پرونده ۱۱.
۱۸. آرشیو اسناد وزارت خارجه، اسناد قدیمه، ۱۳۳۶ق، کارتن ۶۶، پرونده ۱۹.
۱۹. آرشیو اسناد وزارت خارجه، اسناد قدیمه، ۱۳۳۷ق، کارتن ۴۲، پرونده ۲۲.
۲۰. آرشیو اسناد وزارت خارجه، ۱۳۳۹ق، اسناد قدیمه، کارتن ۴۳، پرونده ۱۷.
21. Adams, Isaac, Darkness and Daybreak: Personal Experiences, Manners, Customs, Habits, Religious and Social Life in Persia, Michigan, Dickinson Bros. Engravers and Printers, 1898.
22. -----, Persia By A Persian; Personal Experiences, Manners Customs, Habits, Religious and Social Life in Persia, Washington, D. C, The Office of The Librarian of Congress, 1900.
23. Ameer, John.P. Yankees and Nestorians: The Establishment of American Schools among the Nestorians of Iran and Turkey, 1834– 1850, PhD thesis, Harvard University, 1997.

24. Becker, Adam. H., *Revival and Awakening: American Missionaries in Iran, and the Origins of Assyrian Nationalism*, Chicago, the University of Chicago Press, 2015.
25. Daniel, Moshe. G. *Modern Persia*, Toronto, Henderson & Company, 1898.
26. Elshakry, Marwa S., "Knowledge in Motion: The Cultural Politics of Modern Science Translations in Arabic", *Isis*, Vol. 99, No. 4 (December), 2008, pp.701-730.
27. Fiey, J. M., "Naṣārā", *EI2*, Edited by C.E. Bosworth & E. Van Danzel, Vol.7, Leiden, Brill, 1993.
28. Fiske, D.T., *Faith working by love: as exemplified in the life of Fidelia Fiske*, Boston, Congratational Publishing Society, 1868.
29. Flynn, Thomas, *The Western Christian Presence in the Russias and Qājār Persia c.1760-C.1870*, Leiden, Brill, 2016.
30. Holmberg, B., "Nastūriyyūn", *EI2*, Edited by C.E. Bosworth & E. Van Danzel, Vol.7, Leiden, Brill, 1993.
31. Jones, Lindsay (editor), *Encyclopedia of Religion*, vol.11, Detroit, Thomas Gale, 2005.
32. Knanishu, Joseph. *About Persia and Its People: A Description of their manners, customs, and home life, including engagements, marriages, modes of traveling forms of punishments, superstitions, etc*, Rock Island, Lutheran Augustana Book Concern Printers, 1899.
33. Laurie, Thomas, *Woman and her Saviour in Persia*, Boston, Gould and Lincoln, 1863.
34. Malick, David. G., *the American mission Press: a Preliminary Bibliography*, Atour Publications, 2008.
35. Murre- van den Berg, Heleen. L., "The Missionaries' Assistants: The Role of Assyrians in the Development of Written Urmia Aramaic." *JAAS*, no. 2, 1996, pp. 3-17.
36. -----, *From a Spoken to a Written Language: The Introduction and Development of Literary Urmia Aramaic in the Nineteenth Century*, Leiden, Brill, 1999.
37. Naby, Eden, "The Assyrians of Iran: Reunification of a "Millat," 1906-1914", *International Journal of Middle East Studies*, Vol. 8, No. 2, 1977, pp. 237-249.
38. -----, "The Assyrian diaspora: Cultural survival in the absence of state structure", *Central Asia and the Caucasus: Transnationalism and diaspora*, Edited by Touraj Atabaki and Sanjyot Mehendale, London, Routledge, 2005, pp. 214-230.
39. Packard, Frances. B. *The Story of our Mission in Persia*, New York, Board of Foreign Missions of the Presbyterian Church in the U.S.A, 1920.
40. Perkins, Justin, *A Residence of Eight Years in Persia among the Nestorian Christians; with Notes of the Muhammedans*, New York, Allen, Morrill & Wardwell, 1843.
41. -----, *Missionary Life in Persia; Being Climpeses at a Quarter of a Century of Labors Among the Nestorian Christian*, Boston, American Tract Society, 1861.
42. Safra, Jacob. E (editor), *Britanica Encyclopedia of word Religions*, London, Encyclopedia Britanica, 2006.
43. Sansarian, Eliz, *Religious minorities in Iran*, Cambrige, Cambridge University Press, 2004.
44. Sengupta, Parna, *Pedagogy for Religion: Missionary Education and the Fashioning of Hindus and Muslims in Bengal*, Los Angeles, University of California Press, 2011.
45. Shedd, Mary Lewis, *the Measure of a Man; the Life of William Ambrose Shedd Missionary to Persia*, New York, George H. Doran Company, 1922.
46. Speer, Robert. E., *the Hakim Sahib; the Foreign Doctor Abiography of Joseph Cochran, M. D of Persia*, New York, Fleming H. Revell Company, 1911.
47. Waterfield, Robin. E., *Christians in Persia: Assyrians, Armenians Roman Catholics And Protestants*, London, George Allen & Unwin Ltd, 1973.
48. Wagner, Moritz, *Travels in Persia, Georgia and Koordistan*, London, Hurst and Blackett Publishers, 1850.
49. Wilson, Rev. S.G., *Persia: Western Mission*, Philadelphia, Presbyterian Board of Publication and Sabbath-School Work, 1896.
50. www.Britanica.com/topic/monitrialsystem.